

لاندمن^(۱) (۱۴۹۴-۱۵۵۵) که از مردم ساکس (آلمان) بود شیمی را برای پرهیختن کانه‌ها و فلزها بکار برد.

پالیسی^(۲) (۱۵۰۰-۱۵۸۸) شیمی را در کوزه‌گری و صنایع دیگر استعمال کرد. سه دانشمند نامبرده موجب شدند که در قرن شانزدهم شالوده شیمی نو ریخته شد.

وسالیوس^(۳) (۱۵۱۴-۱۵۶۴) بلژیکی نخستین کسی بود که در عصر جدید بشکافتن کالبد انسانی پرداخت و برای همین «معصیت» از طرف دادگاه بازجوئی محکوم شد تا سفری به بیت المقدس کند و گناه خود را بدین ترتیب بشوید.

یکی از پیروان وسالیوس در بچه‌های رنگ را کشف کرد و وی استاد و مربی ویلیام هاروی^(۴) (۱۵۷۸-۱۶۵۷) انگلیسی بود که گردش خون را پیدا نمود و جسارت ورزیده در ۱۶۲۸ کشف جدید خود را انتشار داد.

باین ترتیب در قرن شانزدهم میلادی تتبع و پژوهش علمی بطرز جدید آغاز شد و دانشمندانی که ظهور کردند بدون واهمه از ارتجاعی که حکومت میکرد با وجود قلت عده و علی‌رغم مخالفت و ضدیت و غضب کلیسا خود را از محدودیت قرون وسطی آزاد ساختند و افکار و عقاید سابق را کنار گذاشتند و بدون توجه باینکه زحمات و اکتشافات آنها بکجا منجر میشود عقب حقایقی گشتند و دنیا را مرهون خدمات برجسته خویش نمودند.

در نتیجه پیدایش دانشمندان و کشفیات و اختراعات و نظریات آنها کسانی که در آموزش و پرورش دخیل و صاحب‌نظر بودند علوم طبیعی را در برنامه وارد کردند و شناسائی اشیاء را جزو تحصیلات قرار دادند. بنابراین روشهای تازه و کتابهای نو بوجود آوردند تا از مقدار زبان و ادبیات یونان و لاتین بکاهند و مواد جدید را بجای آنها بگذارند. بعلاوه کوشیدند تا اصول علمی برای آموزش و پرورش وضع کنند و پرورش

(۱) Landmann او نیز نام خود را به لاتین ترجمه کرده و خویش را Agricola

می نامید.

Bernard Palissy (۲)

Vesalius (۳)

William Harvey (۴)

کودک را با نهاد او وفق و سازش دهند .

عموماً اختراعات و اکتشافاتی که در سده شانزدهم شد بدون
توجه بروش علمی بود . بیکن^(۱) (۱۶۲۶-۱۵۶۱) راهی را

بیکن

که برای رسیدن بحقیقت طی شده بود مدون کرد و آنرا روش استقراء نامید .
از همان زمان تحصیل در دانشگاه کیمبریج بیکن از فلسفه ارسطو بنحوی که آنروز

تدریس میشد متنفر بود و بعدها نیز که بمقامات

شامخ سیاسی رسید در ضمن مقالات و نوشته‌های

خود با طریقه ارسطو مخالفت نمود و باتکاء

کشفیات جدید روش نوینی درست کرد و در کتابی

بنام «ارغنون نو» (۲) در ۱۶۲۰ آنرا انتشار داد .

در این کتاب طرز استدلال از راه استقراء تشریح

گشته در مقابل کتاب ارغنون ارسطو که در باب

قیاس و برهان نوشته شده است . بیکن بجای اینکه

بکبری و صغری توسل جوید تا نتیجه بدست

آورد معتقد است که باید بمشاهده پرداخت - بشرط اینکه از پیش آدمی اوهام و خیالات

باطل را (که بت می نامد) از خود دور سازد . از طرف دیگر نباید بمشاهده اکتفا کرد

بلکه باید نتیجه مشاهدات را نوشت و جدول بندی کرد و از مجموع آنها قضیه کلی یا

قانون را بیرون کشید .

در کتاب دیگری که بیکن بنام اطلس نو (۳) نوشته جزیره مسکونی بنام اطلس

فرض کرده که سازمان معینی دارد و مهمترین مؤسسه آن موسوم است به «خانه سلیمان»

که اعضایش به پژوهش میپردازند و نتایج شکفت انگیز از اجرای روش استقراء حاصل

میکنند . در این افسانه بیکن از اختراعات و اکتشافاتی سخن میراند چون تلفون و زیر



فرانسیس بیکن
(۱۵۶۱-۱۶۲۶)

Francis Bacon (۱)
Novum Organum (۲)
The New Atlantis (۳)

دریائی و هواپیما و مانند آن که تنها در اواخر قرن نوزدهم و در زمان حاضر انسان باختراع آنها نائل شده است .

از شرحی که راجع بخانه سلیمان داده بر آید که بیکن ظاهراً معتقد بوده است که جامعه باید اطلاعات کامل درباره طبیعت بدست آورد و تا اندازه‌ای که کودکان در هر مرحله استعداد فهم آنرا دارند بآنها بیاموزد .

رو بهمرفته کتاب ارغنون نو یا روش جدید باوجود غفلتی که بیکن راجع بقوه فکری و تعقل و قریحه و ژنی کشف نشان داده و مداخله و اهمیت آنرا در اکتشافات در نظر نگرفته معذک تأثیرات بسیار در طرز استدلال آن زمان کرده و در حقیقت بالاترین واکنشی است که در دوره جنبش و تجدید دینی و حقیقت جوئی بظهور پیوسته است .

غفلت بزرگ بیکن را دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶) جبران کرد

دکارت (۱)

و روشی بمیان آورد که مکمل طریقه او شد . دکارت

تحصیلات مقدماتی را در فرانسه در یکی از مدارس یسوعی بیابان رسائید سپس بتحصیل

پزشکی و حقوق پرداخت و در بیست سالگی

شروع بمسافرت کرد و قریب نه سال در کشورهای

اروپا بهسیر آفاق و انفس اشتغال ورزید . آنگاه

برای تحقیقات و تجربیات علمی انزوا اختیار کرد

و در هالاند سکنی گزید و بیست سال در آن

مملکت پیژوهش پرداخت تا در ۱۶۳۷ بزبان

فرانسه کتابی بنام «گفتار در روش راه بردن عقل

و جستجوی حقیقت در علوم» منتشر کرد .



دکارت

(۱۶۵۰-۱۵۹۶)

دکارت نخستین دانشمندی است در عصر جدید

که بزبان مادری کتاب علمی تألیف کرد و زبان لاتین را

که تا آن زمان تنها وسیله بیان و تحریر مطالب فلسفی و علمی بود کنار گذاشت . بهمین سبب

کتاب مذکور مورد توجه عموم واقع گردید و صیت شهرت دکارت بسرعت در اروپا بلند شد .

در نتیجه اجرای روش مذکور در ریاضیات دکارت هندسه تحلیلی را اختراع کرد و در طبیعیات قانون انکسار نور را که بنام اوست کشف کرد و راجع بساختن دوربین و تراش عدسی خدمات مهمی نمود ولی برجسته ترین خدمت او همان روشی است که در کتاب گفتار تشریح کرده و او را مؤسس فلسفه جدید معرفی کرده است .

دکارت با اینکه در ردیف دانشمندان عصر خود بود بنادانی خویش پی برد و ناچیزی و غلط بودن علوم و فلسفه زمان خود را دریافت و بر آن شد که باقوه تفکر علم را از نو بوجود آورد و در کتاب مذکور راه و روش خود را برای رسیدن باین منظور تشریح نمود .

بعقیده دکارت انسان قادر بفهم حقیقت و پی بردن بمجهولات هست مشروط بر اینکه قوه تعقل خود را از طریق صحیح بکار برد ورنه ممکن است کامیاب نشود و دچار ضلالت و گمراهی گردد .

بیکن و دکارت بثبوت رساندند که تنها بوسیله منطق ارسطو یعنی فن برهسان نمیتوان مجهولات را کشف کرد و هر دو سعی کردند روش جدیدی بدست دهند . روش بیکن چنانکه دیدیم بر تجربه و مشاهده و روش دکارت بر کار انداختن قوه تعقل و تفکر استوار است .

دکارت معتقد بود که تمام علوم را باید باصول ریاضی در آورد و طریقه تحلیل را اتخاذ کرد یعنی تبدیل قضیه مشکل به آسان و قضیه آسان به آسانتر و دنبال کردن این رویه تا رسیدن به قضیه ای که کاملاً معلوم و روشن باشد . برای تشریح منظور خود چهارقاعده که میتوان شهود - تحلیل - ترکیب - استقصاء نامید وضع کرده است که در اینجا گنجایش طرح آن نیست و میتوان به کتاب نفیس سیر حکمت در اروپا تألیف مرحوم فروغی رجوع کرد و از تفصیل آن آگاه شد .

روش دکارت تأثیر فراوان در محققین عصر نمود . نقص بزرگی که دارد اینست که باوجود اعتقاد و عمل دکارت به روش بیکن و باوجود توجه او به لزوم تجربه و مشاهده در قواعد چهارگانه خود آنرا ذکر نکرده و مسکوت گذارده است .

از مجموع تحقیقات بیکن و دکارت برای کسب علم، منطق جدیدی بوجود آمد که بتدریج تکمیل گردیده و موسوم است به منطق علمی (۱) در مقابل منطق صوری (۲) ارسطو. رویهمرفته جمع دوروش مذکور مانند مشعلی فروزان بود که راه تتبع و کشف و اختراع را برای بشر روشن و هموار ساخت و اروپارا باوج ترقی و تعالی رسانید.

عده‌ای از دانشمندان روش بیکن را در آموزش و پرورش بکار بردند که مهمترین آنان کمنیوس (۳) است. کمنیوس (۱۵۹۲-
کمنیوس

۱۶۷۱) از مردم مرابی (۴) بود. هنگام تحصیل در نتیجه غفلت کسانش زبان لاتین را که مهمترین ماده درسی آن زمان بود تنها در شانزده سالگی بوی آموختند و همین مسئله موجب شد که متوجه نواقص آموزش و پرورش گردید و دانست چه وقت زیادی برای آموختن صرف و نحو و دیگر مطالب بیپوده تلف میشود و بر آن شد که تدریس لاتین را اصلاح کند. پس از یاد گرفتن لاتین نخست در ناسو (۵) سپس در دانشگاه هیدلبرک (۶) بتحصیلات عالی پرداخت و خود را برای کشیشی مردم مرابی که فرقه خاصی از پرتستانها بودند آماده ساخت. لیکن بواسطه کمی سن بکار دین اشتغال نیافت و چهار سال در کشور خویش بتعلیم پرداخت و در این مدت کتابی بنام «صرف و نحو آسان» نگاشت. در نتیجه جنگهای سی ساله که از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ جریان داشت از میهن خود رانده شد تا سرانجام در ۱۶۲۷ در لهستان در شهر لژنو (۷) که امروز لیسا (۸) نامند و در ۲۲۵ کیلو متری مشرق برلین است رحل اقامت افکند. در اینجا ۱۴ سال بمدیبری ژیمناز

Méthodologie (۱)

Logique formelle (۲)

Comenius (۳)

Moravie بخشی در شمال وینه که اکنون جزو چکوسلواکی است.

Nassau از کشورهای مرکز غربی آلمان

Heidelberg (۶)

Lezno (۷)

Lissa (۸)

مرای منصوب بود و اصلاحاتی در مدارس کرد و آغاز بطبع يك سلسله كتاب درسی نمود که عقاید و نظریاتش در آنها گنجانیده شده است. نخستین کتاب درسی را که برای آموختن زبان لاتین است در ۱۶۳۱ تألیف کرد و «باز شدن درزبانها» نام نهاد. در این کتاب از واژه های متداول جمله هائی ساخته و در صفحه دست راست متن لاتین و در صفحه رو برو ترجمه آنها بزبان مادری جای داده است. در سالهای بعد شش جلد دیگر نوشت که بدیع ترین آنها ملخص کتاب نامبرده است باشکل و تصویر و نخستین کتاب درسی مصور است که برشته



کمیوس
(۱۵۹۲-۱۶۷۱)

تحریر در آمده و مدت دو بیست سال دلپسندترین کتاب درسی بوده است. تألیف این کتاب توجه ویرا بحقیقت جوئی از راه حواس نشان میدهد و اصول عقاید او را راجع بروش آموختن ظاهر می سازد. مهمترین کتاب جامع کمیوس که مدتها در خیال نگارش آن بود و تنها در ۱۶۵۷ بزبان لاتین انتشار یافت «هنر بزرگ آموختن» (۱) نام دارد و شامل کلیه نظریات اوست نسبت باصول آموزش و پرورش و سازمان فرهنگ و برنامه تحصیلات و روش آموختن. کمیوس بهترین عقیده و روش را از کتب حقیقت

جویان گلچین کرده و در این کتاب عرضه داشته است و از این حیث مرهون نویسندگان و دانشمندان جنبش علمی است که بزرگترین آنها بیکن است و عقاید بکر او راجع

بآموختن شمه‌ای از کلیه علوم دردبستان و دبیرستان و پرداختن پژوهش مورد اقتباس کمیوس واقع گشته است .

بموجب این کتاب منظور از آموزش و پرورش سه چیز است :

دانش

اخلاق

دین

ولی راجع بقسمت اخیر مانند مردمان قرون وسطی معتقد نیست که تمام غریزه‌های آدمی را باید خفه کرد و روان را بوسیله پست شمردن تن و ریاضت کشیدن پرورش داد بلکه باید غرائز نکوهیده و ناپسندیده را از راه پرورش فکری و اخلاقی و دینی تحت نظارت غرائز عالی در آورد . انسان را بوسیله مخمر کردن سرشت او بسا اخلاق و عادات نیکو که خود نتیجه دانش است باید تربیت کرد و ویرا با ایمان و پارسا بار آورد .

چون آموزش و پرورش باید مردمی را برای زندگانی تهیه و آماده کند بعقیده کمیوس باید دستگاه فرهنگی برای همه برپا کرد تا پسر و دختر و ضعیف و شریف و توانگر و درویش در تمام شهرها و دهکده‌ها در آن دانش آموزند و پرورش یابند . سازمان این دستگاه در چهار فصل کتاب تشریح شده است : تحصیلات بچم-ار دوره بخش میشود و هر دوره شش سال و از هنگام زادن تا سن رشد را شامل خواهد بود . دوره نخست را که تا شش سالگی است « دامان مادر » نام نهاد . از شش تا دوازده سالگی کودک به « مدرسه زبان مادری » یادبستان و از ۱۲ تا ۱۸ به « مدرسه زبان لاتین » یادبیرستان و از ۱۸ تا ۲۴ که دوره جوانی است به « آکادمی » یا دانشگاه خواهد رفت و در این دوره مسافرت هم خواهد نمود که خود وسیله بزرگی برای پرورش و آموزش است . در دانشگاه تنها کسانی پذیرفته خواهند شد که سرآمد اقران خود باشند و برای انتخاب آنها باید از شاگردانی که دبیرستان را پایان میرسانند امتحان رسمی کرد تا روشن شود کدامین شایسته ورود بمدرسه عالی هستند و چه کسانی باید دوره دانش

آموزی را بانجام رسانند و وارد کار وزندگانی شوند .

بدین ترتیب کمیوس نردبانی برای تحصیل پیش بینی نموده که در را بروی همه مردم باز کرده تاهر کس بتواند از فرصتی که برایش حاصل شده است بهره مند گردد . البته این پیشنهاد تنها در قرن نوزدهم بکار بسته شد و سیصدسال طول کشید تا کشورهای متمدن با اهمیت و لزوم آن پی ببرند .

بر فراز سازمان مذکور کمیوس معتقد است بنگاهی در یکی از نقاط جهان بر پا شود که دانشمندان تمام گیتی در آن شرکت کنند و پیژوهیدن پردازند و از نتایجی که بدست آید تمام جهانرا فیض بخشند . بنگاه مذکور نسبت بمدارس باید همان پیوندی را داشته باشد که معده نسبت باندام آدمی دارد یعنی همانطور که معده خون و حیات و نیرو را برای اعضا و بدن تهیه میکند آن بنگاه نیز باید دانش را برای آموزشگاهها پیدا و آماده سازد .

راجع به برنامه کمیوس همه جا و در تمام دوره ها معتقد است که مختصری از همه علوم را بیاموزند چنانکه در مدرسه «دلمان مادر» انتظار دارد که تاریخ - جغرافیا - صرف و نحو - سخنرانی - منطق - موزیک - حساب - هندسه - هیئت - مقدمه اقتصاد و سیاست و اخلاق و یزدان شناخت و تعلیمات دینی تدریس شود و ورزش و ساختن بنا هم بخشی از وقت شاگرد را بگیرد . بدیهی است از شمردن این مواد نباید استنباط کرد که باید آنها را بنحوی که برای جوانان تدریس میشود آموخت بلکه باید در ضمن گفت و شنود و هنگام مقتضی بطور بسیار ساده بکودک یاد داد که خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و دره ها و دریاچه ها و رودخانه ها و جانوران و گیاهها را بشناسد - سخن خود را درست گوید و عبادات نیکو خوی گیرد و در حقیقت آن طوری بار آید که در کودکیستان امروز پرورش می یابند .

همینطور برای دبستان کمیوس برنامه مفصلی پیش بینی کرده که شامل خواندن نوشتن - حساب کردن - اخلاق - تعلیمات دینی - تعلیمات مدنی - اقتصاد - تاریخ - جغرافیا - مکانیک عملی است که باید البته بزبان مادری بیاموزند نه بزبان لاتین که

در آن زمان معمول بود زیرا اولاً مدتها برای فراگرفتن لاتین وقت بایسته است ثانیاً این زبان در دبیرستان تدریس خواهد شد .

در دبیرستان چهار زبان (زبان مادری - لاتین - یونانی - عبری) باید آموخته شود و مواد هفتگانه قرون وسطی بافیزیک و جغرافیا و تاریخ و اخلاق و یزدان شناخت نیز تعلیم گردد .

در دانشگاه هر دانشجو باید تمام هم خود را صرف آموختن رشته‌ای کند که طبیعتاً برای آن ساخته شده است مانند یزدان شناخت - پزشکی - حقوق - موزیک - شعر - سخنرانی ولی آنانکه دارای استعداد بسیار هستند باید بفرآگرفتن تمام رشته‌ها اقدام کنند .

در باب روش آموختن کمیوس در کتاب « هنر بزرگ آموزگاری » تأکید میکند که طریق طبیعت‌انخاد شود زیرا که طبیعت همه چیز را با اطمینان و آسانی و بطور کامل انجام میدهد ولی کمیوس از راه استقرار بدین نتیجه نرسیده بلکه از راه شباهت و قیاس نظریه مذکور برای وی پیدا شده است . مثلاً میگوید طبیعت در هر کار فصل و هنگام مناسب را انتخاب میکند چنانکه پرندگان برای تخم گذاری از میان تمام فصلها بهار را برمیگزینند زیرا در آن فصل است که خورشید نیرو و حیات میبخشد . از این مشابهاً نتیجه میگیرد که در آموزش و پرورش باید قانون طبیعت را راهنما قرار دهند ؛ اولاً در بهار عمر یعنی در بچگی انسان را پرورش دهند ثانیاً اوقات صبح را بیشتر صرف تدریس نمایند زیرا آغاز روز بمنزله بهار طبیعت است .

پس از نشان دادن لزوم پیروی از طبیعت کمیوس در مورد هر یک از مواد برنامه مانند علوم و حتی خواندن و نوشتن و موزیک و انشاء و منطق و زبان خارجه و اخلاق و تعلیمات دینی اصل مذکور را بکار میبرد . راجع به علوم گوید که با کمال دقت باید طبیعت را مشاهده کرد تا اطلاعاتی بدست آید و قواعدی که در این زمینه ذکر میکند بطور استقرار از آزمایشهای خود در فرهنگ استخراج میکند .

روشی که در آموختن شعب مختلف علوم پیشنهاد میکند کاملاً با طریقه جنبش علمی مطابقت دارد زیرا همه جا تأکید مینماید که نقش بستن و تأثیر کردن معلومات در دماغ و ذهن شاگرد بسته بآن است که معلم از حقایق و از اشیاء که وجود خارجی دارند استفاده کند نه اینکه تنها بکتاب توسل جوید. اگر خود اشیاء و موجودات را نتوان بدست آورد و بررسی کرد باید تصویر و شکل یا نمونه قالبی آنها را نشان داد. راجع بخواندن و نوشتن و موزیک و دیگر مواد کمیوس میگوید هر چه را میخواهید بدان عمل کنند بوسیله عمل آنها بیاموزید. زبان را از راه گفت و شنود باید یاد داد نه از طریق صرف و نحو. پرهیز کاری را از راه عمل بتقوی و بوسیله سرمشق و راهنمایی از روی محبت باید آموخت نه از طریق پند و اندرز. ایمان و اعتقاد را بوسیله تأمل و تفکر و دعا و نماز و سنجش کارهای خویش باید در دل کودک جای داد. سرانجام این نکته را باید گفت که بهقیده کمیوس تمام درس ها را باید بیگدیگر مربوط ساخت نه اینکه هر کدام را از دیگران بکلی مجزا نمود.

در باب کیفر دادن کمیوس میگوید که غرض اصلی برگشت نکردن تقصیر و خطاست و تنها باید در مورد کارهای ضد اخلاق بکار برده شود نه هنگامی که شاگرد در فراگرفتن درس قصور نموده است.

رویه مرفته کمیوس نخستین پیشوای اصلاح فرهنگ و مؤسس و موجد نظریات تازه راجع بآموزش و پرورش عصر جدید است. بیکن و دیگر طرفداران جنبش علمی و حقیقت جویان از راه حواس دو نظر راجع بآموزش و پرورش داشته اند یکی تدریس مختصری از کلیه علوم و دیگری پیروی از طبیعت. کمیوس علاوه بر تدوین و تشریح این دو نظر، نظر سومی بر آن اضافه کرد و آن تولید ایمان است در کودک. آموزش باید همگانی و مطابق با طبیعت اطفال باشد. پرورش تن و تربیت حواس باید جزو برنامه و تمام مواد بایگدیگر پیوستگی داشته باشد.

غیر از نفوذی که کمیوس بواسطه کتب درسی زبان لاتین در آموزشگاههای عصر خود کرد تأثیر دیگری در آنها نداشت لیکن اصولی که ذکر کرد پایه آموزش و پرورش

در کشورهای متمدنی است و در عقاید دانشمندانی که بعد از او آمدند مانند پستالزی و هربرت و فربل اثرات فراوان داشت.

در دبستانها جنبش حقیقت جوئی جز در آلمان تأثیر محسوس

تأثیر جنبش
حقیقت جوئی
در مدارس

نکرد. در آلمان در سده هفدهم آموختن زبان مادری رواج

پیدا کرد - آموزش همگانی و اجباری آغاز شد - مقدمات

علوم طبیعی علاوه بر خواندن - نوشتن - حساب - تعلیمات

دینی و موزیک در دبستانها تدریس گردید. از نیمه قرن هفدهم در آموزشگاههایی که

برای اشراف تأسیس کردند علوم طبیعی و پرورش تن را در برنامه وارد نمودند و در

اواخر سده مذکور در ژیمنازها هم متداول گردید.

در دبیرستانهای آلمان در نیمه قرن هیجدهم آموختن زبان مادری و علوم طبیعی

نخست در بران سپس در نقاط دیگر معمول شد تا بتدریج در اواخر قرن مذکور

دبیرستانهایی بنام رئال شوله (۱) برپا گردید که هنوز هم جزو سازمان فرهنگ آلمان

است. در این دبیرستانها زبان فرانسه - اندکی لاتین - زبان مادری - تاریخ - جغرافیا -

هندسه - مکانیک - معماری و علوم طبیعی را میآموزند.

در انگلستان در ۱۶۶۵ دبیرستانی بنام آکادمی که میلتن پیشنهاد کرده بود برپا

شد و پس از چندی در امریکا از نیمه قرن هیجدهم مانند آنها باز کردند. در صورتیکه

مطابق نظر میلتن در آکادمی لاتین و یونانی و عبری را میآموختند در اثر جنبش حقیقت

جوئی زبان مادری بسیار اهمیت پیدا کرد و علوم طبیعی و ریاضی و تاریخ و جغرافیا نیز

تعلیم داده شد.

دانشگاهها همانطور که بسیار محتاط و ملاحظه کار بودند و علی رغم آنها زبان و

ادبیات یونان و روم بواسطه جنبش فرهنگ پژوهی در آنها وارد شد همانطور نیز پس

از دو قرن که بدانها خوی گرفته بودند حاضر نبودند آنها را با مواد دیگر عوض کنند

یا ساعاتی هم برای دروس جدید بویژه علوم طبیعی منظور دارند. باینهمه در آلمان در

اواخر قرن هیجدهم دانشگاهها علوم طبیعی را داخل برنامه نمودند .

در کیمبریج زمان استادی نیوتن در نیمه دوم قرن هفدهم علوم طبیعی و ریاضی جزو دروس شد ولی تا اواخر قرن نوزدهم علوم طبیعی مقامی را که شایسته است در آنجا نداشت. در اکسفرد تا با امروز زبان و ادبیات یونان و روم بزرگترین اهمیت را دارد و توجهی که بدین مواد میشود معلوم طبیعی و ریاضی نمیشود . لیکن دانشگاههایی که از طرف شهر های لندن و لیورپول و منچستر و برمینگهام برپا شد در نیمه دوم قرن نوزدهم پیروی از حقیقت جویمان کرده و کرسی های متعدد برای شعب علوم برقرار و دائر نموده اند .

فصل دهم

ورزش ذهنی^(۱) - بسط قوای فکری

فلسفه تعلیم زبانهای باستانی (لاتین و یونانی)

چنانکه در فصل هشتم مذکور افتاد در نتیجه جنبش دینی زبان لاتین که تا قرن شانزدهم در کلیساها برای آداب مذهبی بکار میرفت در ممالکی که مذهب پرتستان را پذیرفتند منسوخ گردید و زبان مادری جای آنرا گرفت. در فصل نهم نیز گفته آمد که نویسندگان و دانشمندان اروپا بتدریج زبان ملی را در تدریس و تألیف و تحریر بکار بردند بطوری که در قرن هفدهم میلادی زبان علمی و فلسفی انحصار بزبان لاتین نداشت و دیگر چندان در زندگانی مورد حاجت نبود و نمیتوانست اهمیت سابق را در برنامه مدارس داشته باشد.

از طرف دیگر در قرن هفدهم تحصیل و تدریس زبان لاتین در نتیجه جنبش فرهنگ پژهی مدت دوست سال ریشه دوانیده و برای تعلیم آن برنامه ها و روش ها و کتابها تهیه شده بود که تا آن تاریخ برای هیچ رشته دیگر از برنامه سابقه نداشت. معلمین مدارس و مؤلفین باین برنامه ها و طریقه ها خوی گرفته بودند و ممکن نبود باسانی از آن صرف نظر کنند و زبان لاتین از برنامه مدارس حذف گردد. این بود که عده ای در صدد برآمدند فلسفه ای برای حفظ زبان لاتین در برنامه پیدا کنند و از اینجا نظریه ورزش ذهنی و بسط قوای فکری بوجود آمد.

Formal Discipline (۱)

اساس نظریه

اساس نظریه مذکور بر اینست که در آموزش و پرورش طریقه یاد گرفتن مهم است نه موضوعات و مطالبی که فرامیگیرند. در هر رشته مخصوصاً در امور فکری چنانچه کاری نیکو برگزیده شود و خوب تمرین گردد در انسان نیروئی تولید میکند که در اغلب موارد دیگر ممکن است آن نیرو را بکار برد و برای حل مسائل و مشکلات دیگر از آن استفاده کرد. عبارت دیگر چنانچه يك يا دو ماده كاملاً آموخته و فرا گرفته شود فایده و ارزشش بیشتر است تا عده زیادی از مواد که همان اندازه صرف وقت لازم داشته باشد.

بعقیده طرفداران نظریه مذکور موادی چون ریاضیات و منطق و زبانهای باستانی لاتین و یونانی برای تربیت و بسط قوای فکری بویژه حافظه و استدلال اهمیت فوق العاده دارد خواه مواد مذکور در زندگانی مورد حاجت باشد یا نه - خواه شاگرد بتواند آنها را یاد بگیرد و بکار برد یا نتواند زیرا توانائی و نیروئی که برای کامیابی و توفیق در هر شغل و کاری لازم است حافظه و قوه استدلال است.

بنابراین مطابق نظریه مذکور غرض عمده از آموزش و پرورش این است که ذهن توسعه حاصل کند و قوای فکری منبسط گردد نه اینکه فقط معلوماتی بدست آید و اطلاعاتی کسب شود.

علل پیدایش نظریه

علاوه بر دلایلی که ذکر شد جنبش حقیقت جوئی و نهضت علمی اهمیت خاصی بمعنی و موضوعات تدریس و مواد تحصیلی میداد و آنها را برای تعلیم و تربیت مهم میدانست نه طریقه فرا گرفتن را بنا بر این طرفداران تعلیم زبان لاتین برای دفاع از برنامه و روشی که بدان خوی گرفته بودند نظریه و رزش ذهنی و بسط قوای فکری را عنوان کرده آنها را بعالم آموزش و پرورش عرضه داشتند.

کسانی نیز که از احاطه مذهبی آموزش و پرورش را وسیله جلوگیری از وسوسه شیطان و هوای نفس میدانستند از طرفداران نظریه مذکور بودند زیرا تقویت عقل و بسط قوای فکری را در اخلاق انسان مؤثر می شمردند و بهمین سبب بود که کلیسا

با پیشوایان جنبش علمی چون دکارت و بیکن و کمنیوس مخالفت ورزید و آنها را متهم به لامذهبی و انکار خدا نمود .

روان‌شناسی نیز نظریه ورزش ذهنی و بسط قوای فکری را تأیید می‌کرد زیرا در آن زمان معرفت النفس ارسطو متداول بود که برای انسان قوای متعدد چون قوه استدلال و متخیله و حافظه قائل است و در قرون وسطی برای پرورش هر یک از این قوا مواد معین از برنامه و طریقه های مخصوص تعلیم مقرر شده بود و این عمل با نظریه مذکور مطابقت داشت .

نخستین عیب نظریه ورزش ذهنی اینست که طرفداران آن

محاسن

احتیاجات زندگانی را رعایت نمی‌کنند و موادیکه برای

و معایب نظریه

مشاغل گوناگون لازم است نمی آموزند بلکه معتقدند

نیروئی که بواسطه تربیت قوای فکری در مدرسه حاصل می شود برای تمام امور کافی است .

دومین عیب اینست که استعداد و ذوق شاگردان مورد توجه نیست زیرا عده

زیادی از اطفال و جوانان بالطبع قادر بیاد گرفتن زبان لاتین و یونانی و ریاضیات نیستند

یا عشقی بفرآگرفتن آنها ندارند بنابراین از نعمت تربیت محروم میشوند و بمقامی که

استعداد دارند نمیتوانند نائل گردند .

حسن عمده نظریه اینست که چون برنامه آن از مواد مجرد و موضوعات فکری

تشکیل یافته برای تربیت عده محدودی از جوانان که از طبقات عالیه مردم و دارای

هوش سرشارند بسیار سودمند است و آنها را برای مشاغل و مناصبی که بامطالب نظری

(مانند یزدان شناخت - حقوق - زبان) ارتباط دارد پرورش میدهد . البته در قرن

هفدهم که هنوز حکومت ملی بوجود نیامده بود و کسی بفکر تربیت توده خلق نبود

عیبی در منحصر بودن تعلیم و تربیت مذکور بطبقه اشراف محسوس نمیگردید و

استعداد های گوناگون طبقات محروم از تحصیل و حاجات آنها اساساً مورد عنایت نبود .

حسن دیگر اینست که اعمال نظریه مذکور باعث پرورش و بسط قوه دقت و تمرکز

عقل است منتها چون قوه مذکور فقط صرف فرآگرفتن زبان لاتین و حقوق و یزدان

شناخت میشود فواید آن عاید عده محدودی تحصیل کرده و روشن فکر میشود و طبقات

مختلف ملت از آن سودی نمی برند .

صرف نظر از مراتب مذکور از تمام موادی که در مدارس میآموزند از لحاظ عمل بعضی از مواد نسبت به مواد دیگر دارای ارزش بیشتری است چنانکه مثلاً حساب و زبان مادری چون بعد از ختم دوره آموزشگاه در تمام کارهای زندگانی مورد استفاده قرار میگیرد دارای قدر و مقام عالی تری است و میتوان آنها را لااقل در ردیف مواد برنامه طرفداران ورزش ذهنی بشمار آورد .

بالاخره باید در نظر داشت که هر یک از مواد برنامه از لحاظ ورزش کلی ذهن دارای ارزش است ولی این ارزش منحصر بزبان لاتین نیست و نیروئی که از فرا گرفتن السنه باستانی حاصل میشود نمیتوان در تمام موارد بکاربرد و برخلاف آنچه طرفداران ورزش ذهنی گفته اند چنانچه ماده ای در زندگانی بکار نیاید و مورد استعمال پیدا نکند چندن ارزشی دارا نیست .

لك مربی ولله یکی از اشراف بزرگ انگلستان بود و شاید
مهمترین حکیم و دانشمند انگلیسی باشد که در باب تعلیم و
تربیت کتاب نوشته است . وی نماینده طرفداران ورزش ذهنی

جان لك (۱)
(۱۶۳۲-۱۷۰۴)



لك

(۱۶۳۲-۱۷۰۴)

و بسط قوای فکری است ولی نظریات او بمراتب
وسیعتر از عقاید جمهور و مدرسین عادی طرفداران
مذکور است .

لك فلسفه خود را در کتاب موسوم به
« تحقیق درباره فهم و عقل آدمی (۲) » بیان
داشته و معتقد است که ذهن انسان در آغاز مانند
صفحه سفیدی است بدون نقش - معلومات انسان
از خارج از راه حواس بدست میآید و نتیجه تجربه
و آزمایش و ادراک عقل است که بالاخره در صفحه

John Locke (۱)

Essay Concerning the Human Understanding (۲)

مذکور نقش میبندد. وقتی انسان تجربه‌هایی کرد و احساساتی از محیط خارج برای او حاصل شد از راه تعقل، فکر و قضاوت او صورت میگیرد و این عمل نه از طریق پرورش حواس بلکه از راه ورزش ذهنی مخصوصاً عقل و قوه استدلال بسط و توسعه پیدا میکند.

در کتاب دیگر موسوم به «راهنمای خرد» (۱) لك نشان میدهد که ذهن انسان از راه چنان ورزشی توسعه مییابد که تمام قوای روحی او را نیرومند سازد و ورزش مذکور تنها از طریق تحصیل و قرائت و مطالعه کتاب بدست نمی‌آید بلکه از راه تفکر و تعقل حاصل میشود.

در باب تعلیم و تربیت لك نظریات خود را در کتابی بیان کرده بنام «چند اندیشه در باره آموزش و پرورش» (۲) که بسال ۱۶۹۳ انتشار یافته است. کتاب مذکور از آثار مهمی است که در باب تعلیم و تربیت نگارش یافته و جا دارد که خلاصه‌ای از آن در اینجا عرضه شود.

بعقیده لك آموزش و پرورش را سه بخش است: بدنی - اخلاقی - فکری. بنابراین منظور از تعلیم و تربیت سه چیز است: نیرومندی تن - فضیلت - دانش. تندرستی و نیرومندی تن اساس است و همینکه این منظور حاصل شد بساید بترتیب بدو منظور دیگر پرداخت.

کتاب مذکور با این جمله آغاز میشود: «عقل سالم در بدن
تربیت بدنی
 سالم تعبیر کوتاه ولی کاملی است از سعادت‌تمندی و خوشی در این دنیا. کسی که این دو را دارد چیز مهمی باقی نمی‌ماند که بتواند آرزو کند و کسی که یکی از این دو را فاقد است چیز مهمی را دارا نیست.» لك درباره تربیت بدنی بحث مفصل نموده و معتقد است که لباس کم و گشاد - رختخواب سخت و خشن - هوای آزاد خوراك ساده - اسب سواری و شمشیر بازی و کشتی برای پرورش طفل و معتاد ساختن او بانضباط و تحمل سختی باید در نظر گرفته شود.

Conduct of the Unders tanding (۱)

Some Thoughts Concerning Education (۲)

تربیت اخلاقی

در اینجا لك تربیت را از تعلیم بازمی‌شناسد و دامنهٔ پرورش را بسیار وسیع‌تر از آموزش میداند. بعقیدهٔ او آموزش فقط وسیله‌ای است برای تربیت فکری و پرورش باید ورزش ذهنی

و بسط قوای فکری را تأمین کند.

منظور از تربیت اخلاقی باید فضیلت باشد و برای رسیدن باین مقصود لك طبق سطور ذیل راهی نشان می‌دهد که حاکی از وحدت نظر او با طرفداران ورزش ذهنی است:

«همان گونه که نیرومندی تن مخصوصاً از عادت بسختی و تحمل شدائد بدست می‌آید همانطور نیز نیرومندی ذهن حاصل میشود.

اصل و اساس فضیلت در اینست که انسان بتواند هوا و هوس را از خود دور سازد و فقط از عقل و دستورات آن پیروی کند و امیال خود را تابع عقل نماید ولو اینکه هوس او بطرف دیگر متمایل باشد... قوهٔ جلوگیری از هوا و هوس در نتیجهٔ عادت بدست می‌آید و بهبودی می‌یابد و عادت نیز از طفولیت از راه عمل ایجاد میشود... و از وقتی که کودک در گهواره است این اعتیاد باید آغاز شود...»

بنابراین فضیلت از راه عادات نیکو و عادات نیکو از راه انقیاد هوا و هوس بوجود می‌آید. برای نیل بمقصود باید حتی الامکان معتاد شدن باخلاق حسنه را برای اطفال مطبوع ساخت و شدت زیاد روا نداشت و به تنبیه بدنی توسل نجست.

از طرف دیگر باید متذکر بود که سر هر گونه موفقیت در آموزش و پرورش در اینست که از غرائز نکوهیده و شهوات طبیعی جلوگیری شود و انسان بنظارت و تسلط بر هوا و هوس معتاد گردد و بخویشتن داری خوی گیرد.

تربیت فکری

در بحث از تربیت فکری لك بیشتر هم خود را صرف مواد تحصیلی و برنامه می‌کند و در این قسمت با پیشوایان جنبش علمی هم آواز و مانند کمنیوس معتقد است که مختصری از

کلیهٔ علوم در آموزشگاهها تدریس شود و فواید عملی آنها خاطر نشان گردد - زبان لاتین

را پس از آموختن زبان مادری و زبان نزدیکترین همسایه باید بحکم لزوم بیاموزند -
روش آموختن باید دلکش و دلپسند باشد - معلومات از راه مشاهده و آزمایش در
ذهن کودک نقش بندد .

در قسمت برنامه نیز نظریه لك با طرفداران ورزش ذهنی و بسط قوای فکری
شبيه وحاکی از اینست که تمام مواد تحصیلی باید تابع منظورهای اخلاقی باشد یعنی
برای این مقصود تعلیم شود که طفل را معتاد به اخلاق نیکو سازد و از حرکات زشت
احتراز جوید و برغرائز نکوهیده تسلط و تفوق حاصل کند .

در کتاب راهنمای خرد نیز معتقد است که مقصود از تربیت فکری ایجاد عادت‌هایی
است در ذهن اطفال که قوای فکری و فعالیت دماغی آنها را افزایش دهد - این عادت‌ها
نیز از راه ورزش ذهنی بوجود می‌آید چنانکه در کتاب مذکور مینویسد :

« قوای روحی ما بهمان طریق بهبودی می‌یابند و برای ما مفید واقع میشوند که
قوای بدنی . اگر بخواهید مردی بنویسد یا نقاشی کند - بر قصد یا خوب شمشیر بازی
کند یا هر کار دستی دیگر را با چابکی انجام دهد باید بگذارید حرکت و فعالیت کند -
به تردستی و زرنگی پردازد . هیچ کس از او انتظار عملیاتی ندارد مگر اینکه بآنها
عادت کرده و وقت و همت خود را صرف معتاد ساختن دست و اندام خود بحرکات لازم
نموده باشد . همینطور در مورد ذهن اگر بخواهید مردی خوب استدلال کند باید او را
بموقع باین کار معتاد سازید و ذهن او را به ملاحظه روابط افکار و تصورات ورزش
دهید »

در کتاب مذکور برای ریاضیات اهمیت مخصوصی قائل است زیرا این ماده قوای
فکری را نیکو بسط و پرورش میدهد .

نظریه ورزش ذهنی در انگلستان در مدارس صرف و نحو
و « آموزشگاههای همگانی » معمول و رایج بود معذالك
لك مدارس اخیرالذکر را مورد انتقاد قرار داد زیرا در آنها
بموادی اهمیت داده میشد که دارای ارزش نبود و وسایلی

نظریه
ورزش ذهنی
در کشورها

در تعلیم بکار میرفت (مانند ترجمه لاتین بانگلیسی و بالعکس) که بسیار محدود بود و در شاگرد قوه و قابلیت ایجاد میکرد که شایان توجه نبود - تنبیه بدنی برای هر قصور و خلافی معمول بود - تمام شاگردان

مدرسه مجبور بودند فرمان ها و دستورات شاگردان آخرین کلاس (کلاس ششم) را گردن نهند مثلاً اطاق آنها را تمیز کنند - چاشت آنها را تهیه نمایند - بخاری آنها را روشن کنند و همه این مطالب نشان میدهد که در اجرای نظریه ورزش ذهنی نکات قابل انتقاد وجود داشت .

از لحاظ تربیت فکری برنامه « آموزشگاه های همگانی » که بهترین نه-اینده تعلیم و تربیت انگلیس بین ۱۶۵۰ و ۱۸۵۰ بود

بسیار ناقص و عبارت بود از مقدماتی صرف و نحو و شش تانه سال انشاء لاتین و یونانی و نوشتن شعر لاتین و تمام منظور این بود که شاگردان از ادبیات روم و یونان متمتع و بهره مند شوند . فقط در وسط قرن نوزدهم زبانهای خارجه و علوم طبیعی وارد آموزشگاه های مذکور گردید .

در دانشگاه های انگلستان نیز نظریه مذکور رواج داشت چنانکه تا نیمه قرن نوزدهم دروس اساسی آنها عبارت بود از زبان و ادبیات روم و یونان و ریاضیات و بهمین دلیل چنانکه بعداً ملاحظه خواهد شد هیچیک از دانشمندان طبیعی بزرگ انگلیس در آن قرن رابطه ای با دانشگاه نداشتند و همین مسئله محدودیت برنامه آنها را



مهر آموزشگاه صرف و نحو لوث Lowth که در ۱۵۵۲ ادوارد ششم پادشاه انگلستان تأسیس کرده است

بالای تصویر شعار مدرسه بدین مضمون حک گردیده: هر کس از چوب زدن کودک خودداری کند دشمن او است .

روشن و آشکار میسازد .

در آلمان ژیمنازهایی که در آلمان در قرن شانزدهم بوجود آمد و در فصل هشتم توصیف شد بهترین نوع مدارس است که از نظریه ورزش ذهنی پیروی میکنند . اسم آنها نیز حکایت از ورزش ذهنی میکند و از یونان باستان اقتباس گردیده - منتها در یونان ابتدا برای ورزش بدنی بود سپس ورزش ذهنی تخصص یافت . جنبش علمی نیز تا پایان قرن هفدهم در آنها تأثیری نکرد .

در نیمه قرن هیجدهم نهضتی بنام فرهنگ پژوهی نوین بظهور پیوست که تعلیم زبان و ادبیات یونان را برای پرورش شخصیت و روحیه ملی تأکید کرد و زبان لاتین را در درجه دوم قرار داد ولی انقلابی که بعداً روی داد در مدارس منعکس شد و مجدداً نظریه ورزش ذهنی تفوق حاصل کرد و تاکنون باقی است .

در فرانسه علاوه بر مدارس یسوعیها و ژانسنی ها که نظریه ورزش ذهنی در آنها مستقر و پایدار بود وقتی لیسه ها تأسیس گردید شعبه خاصی برای تعلیم لاتین و یونانی بوجود آمد و در دو شعبه دیگر تعلیم لاتین با زبان خارجه و علوم طبیعی و ریاضی توأم گردید و باوجود اصلاحاتی که در دبیرستانهای مذکور در قرن حاضر بعمل آمده هنوز ورزش ذهنی در شعبه ای از آنها باقی و برقرار است .

در امریکا پس از انقلاب ۱۷۷۶ و اعلام استقلال امریکا مدارس صرف و نحو که پیرو ورزش ذهنی بود بتدریج از میان رفت و بجای آنها مطابق نظری که میلتن پیشنهاد کرده بود آکادمی تأسیس گردید و ثانیه قرن نوزدهم علوم طبیعی و اجتماعی در برنامه دبیرستانها و کالج ها استقرار پیدا کرد . وقتی برنامه انتخابی (۱) در مدارس امریکا معمول شد ورزش ذهنی در دبیرستانها و کالج ها رو بضعف گذاشت و رفته رفته اهمیت خود را از دست داد .

(۱) برنامه انتخابی برنامه ای است که شاگرد در آغاز هر سال تحصیلی برای خود انتخاب میکند . عموماً دو سوم مواد تحصیلی دبیرستان و کالج (مانند زبان انگلیسی - تاریخ و جغرافیای امریکا) اجباری است و همگی ناگزیرند آنرا بیاموزند ولی در انتخاب يك سوم دیگر آزادند و میتوانند مطابق ذوق و شوق خود از میان مواد متعددی که تدریس میشود بامشورت معلمین آنچه را مایلند برگزینند و در ظرف سال بتحصیل آن پردازند .

فصل یازدهم

طبیعت دوستی

روسو (۱)

جنبش سده پانزدهم (رنسانس) - تجدد دینی قرن شانزدهم - جنبش حقیقت جوئی و دیگر جنبش هائی که پدید آمد مانند جنبش طرفداران پیراستن کلیسا (۲) در انگلستان، همه سرکشی هائی بود که در کشورهای مختلف اروپا بر ضد استبداد دولت و ستمگری کلیسا بروز کرد.

در سده هیجدهم بر ضد دوقوه مذکور طغیان دیگری بظهور پیوست که فوق نهضت های پیشین بود و نیروی دولت و کلیسا را درهم شکست و افراد توده را پیش آورده تقویت

طغیان قرن
هیجدهم

کرد و اهمیت بسیار برای هر فرد قائل شد. هر يك از طبقات توده تصور کرد غیر از فرد و حق وی قوه دیگری وجود ندارد در صورتی که افراد برهبری و راهنمایی نیاز دارند تا حقی که بدست آورده اند محفوظ ماند ورنه هرج و مرج رخ میدهد و در این حال

(۱) Jean Jacques Rousseau

(۲) Puritanisme طرفداران پیراستن کلیسا در انگلستان متمایل به کالون

بوده و معتقد بآداب و رسوم مذهبی مانند پوشیدن جبه برای اعمال دینی و نصب تمثال و مجسمه اولیای دین در کلیسا نبودند و بهمین جهت در نیمه دوم قرن شانزدهم فرقه مخصوصی تشکیل دادند که اعضایش بر ریاضت و تدین و تقدس مشهورند؛ بواسطه شکنجه و آزاری که از اعمال ملکه الیزابت رئیس کلیسای رسمی انگلیس دیدند عده کثیری در آغاز قرن هفدهم بامریکای شمالی مهاجرت کردند.

حقوق افراد پایمال میشود. قرن نوزدهم جنبش وطنیان مذکور را تحت نظم در آورد و فرد را تابع اراده جامعه (که از همان افراد تشکیل شده است) قرارداد و بدین ترتیب وسایل و مقدمات پیشرفت تند اروپا را فراهم ساخت.

طغیان سده هیجدهم بدو دوره تقسیم میشود. در نخستین نیمه قرن جنبش برضد کلیسا و استبداد فکری و روحی بود و در نیمه دوم برضد دولت و برای بدست آوردن حقوق بشر.

در دوره نخست که معروفست بعصر روشنائی، اشخاصی مهم و با نفوذ مانند لك در انگلستان و ولتر (۱) و نویسندگان دائرة المعارف (۲) در فرانسه چون دیدرو (۳) و دالامبر (۴) عقاید سخیف و اوهام و خرافات مذهبی را هجو کرده و سالوسی و ریاکاری و عوام فریبی و فساد اخلاق روحانی نمایان را شدیداً انتقاد نمودند. و در نوشته های خویش عقل بشر را راهنما شمردند.

در دوره دوم نویسندگانی بظهور پیوستند که از مهمترین آنها مونتسکیو^(۵) (۱۶۸۹-۱۷۵۵) بود که در ۱۷۲۱ نخستین تألیف مهم خود را بنام «نامه های ایرانی» (۶) منتشر و در آن فرض کرد دو تن ایرانی در اروپا مشغول سیاحت بوده مشهودات و عقاید خود را با انتقاد از اوضاع اجتماعی و سیاسی فرانسه بدوستان خود مینویسند. کتاب مذکور که حاوی ۱۶۱ نامه است بسرعت مشهور شد و مایه توفیق و مسرت مونتسکیو گردید. در ۱۷۴۸ پس از بیست سال زحمت شاهکار بزرگ خود را بنام روح قوانین (۷) انتشار داد.

Voltaire (۱)

Les Encyclopédistes (۲)

(۱۷۱۳-۱۷۸۴) Diderot (۳)

(۱۷۱۷-۱۷۸۳) D'Alembert (۴)

Montesquieu (۵)

Lettres persanes (۶)

(۷) کتاب مذکور بسال ۱۳۲۲ در تهران توسط آقای علی اکبر مهتدی به فارسی

ترجمه و بوسیله چاپخانه مجلس طبع گردیده است.

در این کتاب از فلسفه وضع قانون و تأثیر آن در اجتماع و ارتباط آن با محیط و اخلاق و کلیه شئون زندگانی بحث میکند و محاسن حکومت مشروطه را که در آن زمان در انگلستان بر پا بود با فساد حکومت استبدادی که در فرانسه وجود داشت مقایسه مینماید و مبانی و اصول حکومت را تشریح و توصیف میکند. بهمین جهت روح قوانین در نزد عموم مطبوع افتاد و از نویسندگان تشویق و تقدیر بسیار بعمل آمد و در افکار بزرگان اروپا و امریکا و طبقات تحصیل کرده تأثیر زیاد کرد و آزادیخواهان از آن بهره وافر بردند و در فراهم کردن مقدمات انقلاب فرانسه یکی از عوامل مؤثر شد.

در دوره مذکور مهمترین شخصی که برخاست و علمدار نوده شد روسو است که طبیعت دوستی (۱) را مرام و مسلک خود اعلان کرد. بموجب این مسلک عقل بشر نمیتواند همیشه راهنمای وی باشد بلکه بهترین رهبر احساسات و عواطف اوست که مظهر واقعی طبیعت می باشند. روسو بواسطه عواطف شدیدی که داشت از راه همدردی نسبت به مردم بر ضد نامساواتی که در میان طبقات خلق مشاهده میکرد قیام نمود و ایمان خود را نسبت به طبیعت انسان و توده مردم و کفایت و استعداد آنان در تعیین سرنوشت خویش اظهار داشت. از اینرو میتوان ویرا نخستین پیشوای معتقد به حکومت ملی در اروپا دانست. نفوذ او در آموزش و پرورش با اندازه ای است که آشنائی بزندگان و آثار او ضروری است.

ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) در ژنو از شهرهای سوئیس

زندگانی روسو

که مرکز کالون و پرتستان است بجهان آمد. پدرش

ساعت ساز و اصلاً فرانسوی و شخصی خوش گذران بود و نسبت به پرورش فرزند دلبستگی زیاد نداشت. مادرش که زنی بسیار حساس بود هنگام زادن او در گذشت. پرورش او بدست عمه صورت گرفت. از هشت تا ده سالگی در دهکده ای نزدیک ژنو تربیت یافت و عشق طبیعت که از زیبایی زادگاه او ایجاد شده بود نیرو گرفت. تا سن شانزده

سالگی بی‌مربی و سرپرست در سویس بسربرد سپس بجهان‌گردی پرداخت. مناظر روح‌بخش ساوا (۱) که گذرگاهش بود در وی تأثیر فراوان نمود. در تمام این مدت برای گذران بنوگری و پست‌ترین خدمات اشتغال جست و با بینوایان و ستمدیدگان تماس پیدا کرد و از حال آنان آگاه شد. سرانجام خود را بپاریس رسانید و در آنجا رحل اقامت افکند.



روسو
(۱۷۷۸-۱۷۱۲)

بنابر آنچه گذشت نخستین بخش زندگانی روسورا حساس و عاشق طبیعت و همدرد بینوایان نمود. محیط آن زمان نیز عشق به طبیعت و سادگی را تقویت میکرد چه در آن هنگام استبدادفرمانروا و همه‌کارها در دست درباریان بود. تقرب بآنان در سایه آئین و آداب و رسوم ساختگی امکان پذیر میشد. بهمین جهت در

طبقات برجسته این تشریفات بحد کمال رسوخ داشت ولی برای آزاد مردان عذاب‌آلود بود - بویژه که در برابر آنان تمام طبقات دیگر در زیر فشار و بیدادگری بودند و میبایستی همه رنج برند و نتیجه کار آنها بصورت باج و ساو عاید دسته‌ای تبه‌خوی گردد. در چنین محیطی این عقیده پدید آمد که آداب و تشریفات تصنعی را انحراف از طبیعت بوجود آورده است و در فوق تمام قوانین و مؤسسات قانون طبیعت قرار دارد که باخواست خدا یکی است. در اینصورت روسو که هم حساس و طبیعت دوست بود و هم نامعتاد بخویشتن داری و بی‌اختیار در اظهار نظر پیش افتاد و آنچه خود و دیگران حس میکردند به نیکوترین بیان تقریر کرد و افکار انقلابی و طبیعی را بروی کاغذ آورد و بدان صورت خارجی داد.

(۱) Savoie در جنوب شرقی فرانسه.